

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و دوم، شماره هشتاد و هشتم

زمستان ۱۴۰۰

بازخوانی جریان‌های علمی شیعی اصحاب امام باقر علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۳۱

سید قاسم رزاقی موسوی^۱

ویژگی برجسته عصر امام باقر علیه السلام در مقایسه با دیگر ائمه علیهم السلام، نهضت علمی و فرهنگی مسلمانان در آن دوره و پیامدهای درون‌مذهبی و برون‌مذهبی آن است. در فضای علمی و فرهنگی دهه‌های نخست هجری، حضور فرقه‌های مختلف با اندیشه‌های گوناگون، مانند: مرجئه، قدریه، خوارج، متصوفه و غلات از یک طرف، و آشفتنگی فکری و اجتماعی درون‌شیعی از طرف دیگر، مشکلاتی را برای شیعیان پدید آورد. در چنین شرایطی، اصحاب امام باقر علیه السلام در این دوره، بر پایه رهنمودها و راهگشایی‌های آن حضرت، از طریق ترویج احکام فقهی و تبیین اندیشه‌های شیعی در قالب چند جریان علمی، به تثبیت مکتب شیعه پرداختند.

این نوشتار، درصدد بررسی این موضوع با به‌کارگیری شیوه توصیفی - تحلیلی و بهره‌مندی از منابع اولیه حدیثی، تفسیری، فقهی و تاریخی است. یافته‌های این پژوهش، نشان‌دهنده آن است که جریان‌های علمی فقهی، کلامی، تفسیری و معنی‌گرایی را می‌توان از مهم‌ترین

۱. استادیار گروه تاریخ تشیع، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم: (razzaghi@isca.ac.ir).

جریان‌های علمی شیعی آن دوره برشمرد که نتایجی چون: مرجعیت علمی امام، نقش‌آفرینی علمای شیعه در ترویج و تثبیت جامعه اعتقادی شیعه، قرار گرفتن اصحاب امام در جایگاه افتا را در پی داشت.

کلیدواژگان: امام باقر علیه السلام، شیعیان، جریان‌های علمی شیعی، اصحاب امام باقر علیه السلام، فرّق اسلامی

مقدمه

شکل‌گیری نخستین اندیشه‌های شیعی و پایان مرزبندی اولیه خطوط فکری، در مدینه که محل زندگی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، صورت گرفت و در سیرتاریخی آن، کوفه بستر مناسبی برای پرورش و گسترش این اندیشه‌ها بود. بررسی اجمالی جریان‌های فکری و اجتماعی شیعیان، نشان از تثبیت اولیه برخی از مهم‌ترین اصول فکری و اعتقادی شیعه در همان دوران سه امام اول شیعیان دارد؛ به عبارتی، وجه ممیزه اصلی شیعه از ابتدای پیدایش یا ظهور شیعیان تا قبل از قیام امام حسین علیه السلام در جامعه اسلامی مشخص بود^۱ و به اعتقاد بعضی محققان، قیام امام حسین علیه السلام تنها مظهر رسمیت بر تشیع زد.^۲ اگر بپذیریم که شیعه به معنای اعتقاد به امامت اهل بیت علیهم السلام، بعد از واقعه کربلا اعلام موجودیت کرده باشد، معنای ضمنی آن، تثبیت میانی اولیه فکری و اعتقادی قبل از قیام امام حسین علیه السلام بود و بهره‌مندی اعتقادی و تلاش امام سجاد علیه السلام، نقش مهمی در تبلیغ و گسترش تشیع داشت. در کنار فعالیت‌های ائمه علیهم السلام و شیعیان آنها، در طیف محمد حنفیه (م. ۸۱ق) نیز که ریشه در اندیشه‌های امیرمؤمنان علیه السلام داشت، مباحثی مانند: توحید، قضا و قدر، جبر و اختیار، بداء، مهدویت، غیبت و جز آن مطرح شده بود و دیدگاه شیعه به عنوان گروهی با

۱. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۰۹ و ۱۱۳؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۵۳.

۲. محمد جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۲۵۰.

اندیشه‌های خاص در این موضوعات مطرح بود که نقش مهمی در انتقال مکتب امیرمؤمنان علیه السلام و اندیشه‌های آن حضرت به دیگر مکاتب و جریان‌های علمی داشت. در بررسی وضعیت علمی عصر امام باقر علیه السلام، چگونگی نقش‌آفرینی اصحاب عالم ایشان برای تحقق بخشیدن به اهداف نهضت علمی امام، شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر دوره، از موضوعاتی است که ذهن پژوهشگران را مشغول ساخته است.

اتخاذ سیاست تقیه و عدم حضور فعالانه سیاسی - نظامی از سوی امامان شیعه در دوره پس از قیام کربلا، زمینه مناسبی برای امام باقر علیه السلام و برخی دیگر از بزرگان شیعه مانند پیروان محمد حنفیه فراهم آورد که در مدینه به تبیین اندیشه‌های شیعی بردازند.^۱ آنچه دوره زمانی امام باقر علیه السلام را از دوران سایر ائمه متمایز می‌سازد، تبیین احکام فقهی شیعه و بیان تفسیر قرآن و مجموعه اعتقادی شیعه در ابعاد مختلف است. از این رو، تدوین مبانی اعتقادی شیعه و نظام‌مندسازی تعالیم آن را می‌توان مهم‌ترین دستاورد نهضت علمی امام باقر علیه السلام دانست که پس از طرح اولیه مباحث اعتقادی شیعه توسط ائمه پیشین، با اتخاذ سیاست دوری از تقابل سیاسی و مبارزات نظامی و اولویت‌بخشی به فعالیت علمی صورت گرفت و همین مسئله، بررسی موضوع را اهمیت دوچندانی می‌بخشد. در این میان، باید به نقش بارز اصحاب برجسته امام اشاره داشت که به تبیین نظری اندیشه‌ها، ترویج احادیث امام، مشارکت در گفت‌وگوها و مجادلات و ارائه استدلال نظری با محوریت ائمه پرداختند؛ تا آنجا که اعتقاد به امام واجب‌الطاعه را از سوی شیعیان در پی داشته است؛ چنان‌که این امر، در نامه هشام‌بن عبدالملک (۱۲۵ق) به فرماندار کوفه، اشاره شده است.^۲

۱. سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، تقد و نظر، ش ۶۵.

۲. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۳، ص ۲۳۸؛ طبری، *تاریخ طبری*، ج ۵، ص ۴۸۹؛ ابن مسکویه،

تجارب الأمم، ج ۳، ص ۱۳۸.

پژوهش‌های فراوانی درباره امام باقر علیه السلام و نهضت علمی آن حضرت انجام شده است؛ اما جریان‌های علمی شیعیان و فعالیت‌های علمی اصحاب امام، به صورت اختصاصی کمتر مورد توجه بوده است؛ البته در میان پژوهش‌هایی که پیرامون اوضاع علمی - فرهنگی عصر امام به مناسبت از جریان‌ها بحث شده، از جمله می‌توان به «جریان‌شناسی فکری - سیاسی عصر امامت امام باقر علیه السلام» از امان‌الله شفاهی و مقاله «بررسی جایگاه علمی و تلاش‌های فرهنگی امام باقر علیه السلام» از ابوالفضل هادی‌منش اشاره نمود. دکتر منصور میراحمدی نیز گفت‌وگوها و مجادلات کلامی - سیاسی عصر امام را در مقاله «امام باقر علیه السلام و جدال‌های کلامی - سیاسی عصر اموی» بررسی نموده است. حسن کرم‌پور نیز در پایان‌نامه خود به «سنخ‌شناسی اصحاب امام باقر علیه السلام» پرداخته و محمد موسوی مقدم، اصحاب و شاگردان مفسر امام محمد باقر علیه السلام را مورد بررسی قرار داده است. بررسی تاریخی اجتهاد اصحاب ائمه علیهم السلام - از دوران امام باقر علیه السلام تا پایان امامت امام جواد علیه السلام و ابعاد فقهی و نقش‌آفرینی آنان، توسط دکتر نعمت‌الله صفری فروشانی و محمد فرقان مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه این نوشتار را با سایر پژوهش‌های معرفی‌شده متمایز می‌سازد، بررسی جریان‌های علمی شیعیان در عصر امام باقر علیه السلام بر اساس گزارش‌های منابع است که به صورت یکجا کمتر مورد توجه بوده است.

جریان، در لغت به معنای روان شدن و مخالف توقف کردن و سکون آمده است.^۱ همچنین، به معنای خروج، پیشرفت، صدور، اتفاق و طلوع است.^۲ در اصطلاح، بعضی محققان جریان را گرایش‌های اجتماعی می‌دانند که نه تنها از مبانی ایدئولوژی برخوردار است، بلکه کارکردهای فرهنگی نیز دارند^۳ و یا جریان را عبارت از تشکل، جمعیت و گروه

۱. زمخشری، مقدمه الأدب، ص ۱۱۶.

۲. دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۷۳۷.

۳. خسروپناه، «تحلیلی بر جریان‌های فکری - فرهنگی ایران معاصر»، نشریه زمانه، مهر ۱۳۸۴،

ش ۳۷، ص ۳-۱۴.

اجتماعی معینی می‌دانند که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی نیز برخوردار است. بنابراین، جریان‌شناسی عبارت است از شناخت منظومه و گفتمان چگونگی شکل‌گیری و معرفی مؤسسان و چهره‌های علمی تأثیرگذار در گروه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصاد. ^۱ پژوهشگران معتقدند که جریان‌شناسی علمی و فکری، یعنی فکر جریان یافته؛ فکری که از حوزه اندیشه فرد فراتر رفته و به یک موج تبدیل شده و امتداد اجتماعی پیدا کرده است ^۲ و در نهایت، جریان‌شناسی، شناخت فرایند شکل‌گیری یک اندیشه به همراه بررسی مبانی فکری، اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن اندیشه است. ^۳ منظور از جریان‌شناسی علمی در این نوشتار، با توجه به وجه علمیت آن، پرداختن به سبک و شیوه عالمان برای تثبیت و ترویج اندیشه‌ها در حوزه‌های مختلف علمی است که پیروانی داشته و در سیر تاریخی، فراز و فرود و تحولات آن، قابل بررسی و ردیابی است.

مهم‌ترین جریان‌های علمی دوره

در پی گسترش قلمرو جهان اسلام، یکپارچه‌سازی قلمرو حکومت توسط حکام اموی (۴۰-۱۳۲ق)، کاهش آشفتگی سیاسی در مدینه، و از طرفی، با گسترش فتوحات و ارتباط مسلمانان با سایر ملل و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، پرسش‌هایی در جامعه اسلامی پدید آمد که موجب رونق گرفتن گفت‌وگوهای علمی، پُررنگ شدن نقش علما در ایجاد فضای فکری و

۱. همو، *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*، ص ۹.

۲. پیروزمند، «بزنگاه جریان‌شناسی طراحی الگو»، مصاحبه با پایگاه علمی - تحلیلی گذار، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۳.

۳. عیسی‌نیا، «چهار منظر در جریان‌شناسی روحانیت»، مصاحبه با سایت رسای اندیشه، ۱۰ مهر ۱۳۹۲.

فرهنگی جامعه، رونق مباحث کلامی و فقهی در جهان اسلام شد. حضور پُررنگ اصحاب و شیعیان امام در این عرصه علمی و فرهنگی، می‌توانست مفید و تأثیرگذار باشد. حوادث سیاسی و اجتماعی متفاوتِ برجای‌مانده از گذشته، زمینه‌ساز طرح مباحثی گشته بود که به مبارزات فکری و مباحث علمی منجر شد و در مواردی، مجادلات و درگیری‌هایی به دنبال داشت و در برخی دوره‌ها، حمایت‌های دستگاه حاکمه از یک گروه و طرد گروه دیگر، بر این اختلافات می‌افزود. اختلاف اهل حدیث با فقیهان درباره مقام و موضوع سنت پیامبر، اختلاف میان مفسران، تفسیرهای متفاوت از آیات الهی مبتنی بر احادیث پیامبر را می‌توان از نمونه‌های این اختلافات دانست.^۱ در این شرایط، عالمان شیعه و اصحاب امامان که اهتمام خود را بر نشر اندیشه‌ها و عقاید شیعی برگرفته از اهل بیت علیهم السلام گذاشتند، با دو خط فکری متفاوت، اما مبتنی بر اخبار و احادیث ائمه علیهم السلام، دو جریان متمایز را در فضای علمی دوره موجب شدند.

۱. جریان فقهی

عصر امام باقر علیه السلام (۹۵-۱۱۴ق)، یعنی دهه‌های آخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری، هم‌زمان با ظهور فقهای بزرگی مانند: سعیدبن مسیب (م. ۹۴ق)، عروۃ‌بن‌زیبر (م. ۹۴ق)، خارجه‌بن‌زیدبن ثابت (م. ۹۹ق)، عبدالرحمن بن هرمز معروف به ربیعة‌الرای (م. ۱۳۶ق)، سفیان بن عیینه (م. ۱۹۸ق) و محمدبن شهاب زهری (م. ۱۲۴ق) است. از این رو، امام ضمن توجه به فقها، بر جایگاه علمی و معنوی اهل بیت علیهم السلام در دسترسی به احکام اهتمام می‌ورزید؛ آن‌گونه که در مواجهه با حسن بصری (م. ۱۱۰ق)، وارثان علم الهی را اهل بیت علیهم السلام معرفی نموده^۲ و بیان داشت که علم واقعی را فقط نزد اهل بیت علیهم السلام می‌توان یافت^۳ و اصحاب نیز با مراجعه به امام، بر محتوای فقهی و احکام دست می‌یافتند.

۱. لالانی، نخستین اندیشه‌های شیعی، ص ۱۵.

۲. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۷.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۱.

بنابراین، پویندگان خطّ فقهی با ابتنا بر احادیث امامان شیعه، درصدد دستیابی به احکام و عقاید دینی بودند. این دسته از اصحاب، به نقل احادیث مشغول بودند و از مباحث کلامی و عقلی، دوری می‌جستند. اینان با نقل روایاتی از ائمه علیهم‌السلام مبنی بر نهی از ورود شیعیان به جدل و مناظره‌های کلامی، با متکلمان به مخالفت پرداخته و آنها را از خود طرد می‌نمودند؛^۱ اصحابی که در حوزه فقه و نقل روایات فقهی ائمه اهتمام داشتند و تعاملات فقهی، مناظرات و اثرگذاری فقهی بیشتری از آنان در منابع گزارش شده است. روایات فراوانی از این اصحاب در حوزه‌های مختلف فقهی در منابع می‌توان یافت؛ آن‌گونه که در بررسی میراث روایی امام، مجموع روایات فقهی منقول از امام در کتاب *مسند الامام الباقر علیه‌السلام* ۲۱۸۱ عدد است که به لحاظ کمّی، بیشترین روایات امام را شامل می‌شود و در ابواب مختلف: کتاب السفر، کتاب الزیارة، کتاب الجهاد، کتاب الزکاة، کتاب الصوم، کتاب الطهارة، کتاب المعیشة، کتاب الحج، کتاب النکاح و کتاب الصلاة بوده و توسط راویان و اصحاب جریان فقهی نقل شده است.

از نمونه‌های بارز عالمان پیرو این جریان، می‌توان به محمدبن مسلم (م. ۱۵۰ق)، ابوبصیر (زنده در نیمه قرن ۲)، بریدبن معاویه عجلّی (م. ۱۴۸ق) و ابوحمزه ثابت بن دینار (م. ۱۵۰ق) اشاره داشت. شیخ مفید (م. ۴۱۳ق)، محمدبن مسلم (م. ۱۵۰ق) را از فقهای اصحاب باقرین علیهم‌السلام دانسته است.^۲ وی منزلت علمی بالایی نزد امام داشته؛ تا آنجا که امام به شیعیان خود، مراجعه به محمدبن مسلم (م. ۱۵۰ق) را توصیه می‌کند.^۳ جایگاه فقهی ایشان، فقط برای شیعیان و ارجاع امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام نبود؛ بلکه علما و بزرگان اهل سنت نیز به مقام بالای علمی ایشان اذعان داشته‌اند؛ به طوری که ابوحنیفه (م. ۱۵۰ق)،

۱. صدوق، کتاب التوحید، ص ۴۵۴-۴۵۵؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۹۸-۴۹۹.

۲. نجاشی، رجال، ص ۱۹۹.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۱۶۱.

پس از ناتوانی در پاسخ به مسئله‌ای فقهی، به وی ارجاع می‌دهد.^۱ عبدالرحمن بن حجاج (زنده در نیمه دوم قرن دوم) و حماد بن عثمان (م. ۱۹۰ق) نیز در روایتی به برتری محمد بن مسلم (م. ۱۵۰ق) در فقه اعتراف نمودند.^۲ امام در روایتی، به این نکته اشاره دارند که اگر این چهار نفر نبودند، آثار نبوت قطع و کهنه می‌شد.^۳ از ویژگی‌های محمد بن مسلم (م. ۱۵۰ق)، تبعیت از امر امام بود؛ هر چند مورد پذیرش دیگران نباشد.^۴

کشی (م. حدود ۳۴۰ق)، در تسمیه الفقهاء نام شش نفر از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام را نام برده و آنها را در فقه می‌ستاید که یکی از آنها، ابوبصیر (زنده در نیمه قرن دوم) می‌باشد.^۵ در روایتی دیگر، کشی، لیث البختری مشهور به ابوبصیر (زنده در نیمه قرن دوم) را به همراه زراره (م. ۱۵۰ق)، محمد بن مسلم (م. ۱۵۰) و برید بن معاویه (م. ۱۴۸ق)، اوتاد الأرض و أعلام الدین معرفی می‌کند.^۶ امام صادق علیه السلام ضمن ستایش از

۱. همان، ص ۱۶۲: «... جئت الی ابی حنیفة صاحب الرأی، فقال: ماغندی فیها شیء، ولكن علیک بمحمد بن مسلم التقفی، فأنه یخبر، فمهما افتاک به من شیء، فعودی الی فاعلمینیه...»

۲. همان، ص ۱۶۷: «... قال ابواحمد (کنیه ابن ابی عمیر): فسمعت عبدالرحمن بن الحجاج و حماد بن عثمان یقولان ماکان أحد من الشیعة اقله من محمد بن مسلم.»

۳. همان، ص ۱۷۳.

۴. همان، ص ۱۶۵.

۵. همان، ص ۲۳۸، ح ۴۳۱: «اجتمعت العصابة علی تصدیق هؤلاء الاولین من اصحاب ابی جعفر علیه السلام و ابی عبدالله علیه السلام و انقادو لهم بالفقه، فقالوا: أفضه الأولین ستة: زرارة و معروف بن خربوذ و برید و ابوبصیر الاسدی و الفضیل بن یسار و محمد بن مسلم الطایفی...»

۶. همان، ح ۴۳۲: «عن جمیل بن دراج قال: سمعت أبا عبدالله علیه السلام یقول: أوتاد الأرض و أعلام الدین أربعة: محمد بن مسلم و برید بن معاویه و لیث بن البختری المرادی و زرارة بن أعین؛ یعنی کسانی که زمین به واسطه وجود این افراد محافظت می‌شود و از استوانه‌های دین هستند.»

ابوبصیر، شیعیان را در مسائل فقهی به وی ارجاع می‌داد.^۱ اگرچه کتابی به وی نسبت داده نشد، اما با توجه به حجم روایاتش در منابع حدیثی، فقهی و تمجیدهای ائمه علیهم‌السلام از او در کنار فقهایی مانند: زراره (م. ۱۵۰ق)، محمدبن مسلم (م. ۱۵۰ق) و برید (م. ۱۴۸ق)، می‌توان وی را از فقهایی تأثیرگذار در جامعه شیعه دانست. ثابت‌بن‌ابی‌صفیه، مکنّا به ابوحزمه ثمالی (م. ۱۵۰ق)، از بهترین اصحاب و راویان حدیث از امام سجاد، امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) که ثقة و مورد اعتماد ائمه علیهم‌السلام بوده، تا زمان امام کاظم علیهم‌السلام زنده بود.^۲ کتابی در تفسیر و رساله حقوق، به او نسبت داده شده است^۳ که نشان از جایگاه علمی و فقهی او دارد.

نقش آفرینی این جریان، زمانی روشن‌تر خواهد شد که جایگاه فقه در میان شیعیان قبل از امام باقر علیهم‌السلام را با دوره بعد آن مقایسه کنیم. آن‌گونه که در برخی منابع گزارش شده، شیعیان تا قبل از امام باقر علیهم‌السلام، به احکام فقهی خود آشنا نبودند؛^۴ تا اینکه به همت عالمان و اصحاب خطّ فقهی شیعه با بهره‌گیری از روایات امام، این نقص را جبران نموده و با شیوه‌های مختلف: تشکیل مجالس علمی، ترویج روایات فقهی، جلسات مناظره و تکیه بر احکام فقهی مدنظر امام در جامعه، به تدوین فقه شیعی با مرجعیت روایات امام باقر علیهم‌السلام اقدام نمودند. البته این روایات و گفتار امام، اختصاص به فقه نداشته و در شکل‌گیری تشیع و هویت‌بخشی آن در ابعاد مختلف: اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی نقش داشت.^۵

۱. همان: «عن شعيب العنقروقي قال: قلت لابي عبدالله - عليه السلام - : ربّما احتجنا ان نسأل

عن الشیء فمن نسأل؟ قال علیهم‌السلام: علیک بالاسدی»؛ یعنی ابابصیر.

۲. کشی، رجال، ص ۱۲۴.

۳. همان، ص ۱۱۶.

۴. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۲۵.

۵. رسول جعفریان، تاریخ سیاسی، ج ۲، ص ۶۴۷.

۲. جریان کلامی

جریان دیگری در میان اصحاب امام باقر علیه السلام وجود داشت که بیشتر به دنبال چرایی اندیشه‌های دینی و احکام فقهی بود. از این رو، به صرف مشاهده اخبار و روایات قانع نشده و برای دستیابی به احکام به گونه‌ای به دنبال اقناع خود و ارائه تحلیل‌های عقلانی برای پذیرش بهتر عقاید و احکام بوده‌اند. نمونه‌های فراوانی در مجامع روایی از سؤالات مکرر اصحاب از امامان علیهم السلام برای آگاهی از احکام و عقاید دینی موجود است. عبدالله بن ابی‌یعفور (م. ۱۳۱ق)، زرارة بن اعین (م. ۱۵۰ق)، ابان بن تغلب بن رباح (م. ۱۴۱ق)، حمران بن اعین (م. ۱۴۸ق) و... را می‌توان از نمونه‌های اصحاب جریان دوم برشمرد. علامه حلی (م. ۷۲۶ق)، عبدالله بن ابی‌یعفور (م. ۱۳۱ق) را از حواریون امام باقر و امام صادق علیهم السلام معرفی می‌کند.^۱ وی که اصالت کوفی دارد، از شاگردان برجسته صادقین علیهم السلام، یکی از سرسلسله‌های خط فکری متکلمان است و مدتی از عمر خود را در مدینه در کنار امام سپری کرده است.^۲ منزلت اجتماعی وی در کوفه، از اشتهار به تقوا حکایت دارد و در کوفه، کرسی تدریس داشته است.^۳ در منابع فریقین، نزدیک به ۲۰۰ روایت از او در موضوعات مختلف: اعتقادی، فقهی و اخلاقی وارد شده که بیشتر آنها، روایات کلامی در موضوعات مختلفی چون: امامت،^۴ مهدویت^۵ و دیگر موضوعات^۶ است. شایان ذکر است که موضوع امامت در این عصر، از مسائل چالشی و مطرح بوده و فرقه‌هایی مانند کیسانیه و زیدیه، در این باب

۱. علامه حلی، خلاصه الأقوال، ص ۱۰۷.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال کشی، ص ۲۳۰.

۳. نجاشی، رجال، ص ۲۱۳.

۴. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۰۲.

۵. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۳۸.

۶. شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۱۷۳.

فعالیت داشتند. کثرت روایات اعتقادی وی اتفاقی نبوده؛ بلکه دغدغه مسائل کلامی داشته است.^۱ عبدالله، باور شاخه‌ای از زیدیه نخستین (بتریه) را قبول نداشت که معتقد بودند حق، با امامانی است که خدا تعیین کرده؛ ولی مانعی ندارد که مردم خود با رأی خویش هر که را از آن خاندان خواستند، به امامت تعیین کنند و چنانچه تعیین کردند، او واجب‌الإطاعة خواهد بود؛^۲ به عبارتی، آنان به نص قائل نیستند و حق تعیین امام را منحصر به خدا نمی‌دانند. امام صادق علیه السلام در روایتی اشاره داشتند که هیچ‌کسی مانند ابن‌ابی‌یعفور، حقوق الهی و تکالیف را رعایت نمی‌کند.^۳ او با نسبت دادن ویژگی‌های فوق انسانی به امامان، مخالف بود. از این رو، در تاریخ از گروهی به نام یعفوریه نام برده شده که از شیعیان منتسب به ابن‌ابی‌یعفور (م. ۱۳۱ق) بوده و دارای مواضع معتدلی در مسائل کلامی بودند.^۴

دیدگاه وی در باره مرجعیت علمی ائمه علیهم السلام قابل توجه است. او ضمن پرهیز از انتساب صفات فوق بشری به ائمه، معتقد به نوعی مرجعیت علمی امامان به عنوان علمای ابرار و لزوم اطاعت از امام به عنوان رهبر اسلامی بود.^۵ در مناظره میان معلی‌بن‌خنیس (م. ۱۳۱ق) و ابن‌ابی‌یعفور (م. ۱۳۱ق)، معلی امامان را اوصیا و پیامبر دانست و ابن‌ابی‌یعفور (م. ۱۳۱ق) آنان را با عنوان اوصیا، علمای ابرار و اتقیا خواند.^۶ امام در رد نظر معلی فرمود:

۱. منصوری‌راد، «عبدالله‌بن‌ابی‌یعفور؛ متکلمی ناشناخته از جرگه محدثان امامیه»، تقد و نظر، ش ۶۵، ص ۱۵۶.

۲. ناشی اکبر، عبدالله‌بن‌محمد، فرقه‌های اسلامی و مسئله امامت، ترجمه: علیرضا ایمانی، ص ۱۵۷.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۲۴۹، روایت...: «ما أحد أدى إلینا ما افترض الله علیه فینا إلا عبد الله بن أبي يعفور.»

۴. مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۵۰.

۵. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۲۴۷.

۶. همان: «... فقال ابن‌ابی‌یعفور: الأوصیاء علماء ابرار اتقیاء، و قال ابن‌خنیس: الأوصیاء أنبیاء، قال: فدخلنا علی أبی عبدالله علیه السلام قال: فلما استقر مجلسهما، قال: فبدأهما أبو عبدالله علیه السلام، فقال: یا عبدالله ابرأ ممن قال إنا أنبیاء.»

از کسی که ما را پیامبر بداند، بیزارم.^۱ از کتاب یا دفتر حدیثی از ابن‌ابی‌یعفور در منابع نام برده شده که نزدیک به صد الی دویست حدیث از او در منابع روایت شده است. امام صادق (ع) از بعضی شیعیان و اصحابش به نیکی یاد می‌کند؛ از جمله در باره وی فرمود: «هیچ کس را نیافتم که حرف مرا بپذیرد، امر مرا اطاعت کند و در مسیر اجدادم گام بردارد، مگر این دو مرد: عبدالله بن‌ابی‌یعفور (م. ۱۳۱ق) و حمران بن‌اعین (م. ۱۴۸ق). خدا آنان را رحمت کند که شیعیان مؤمن و خالص ما هستند و نام آنها نزد ما در کتاب اصحاب یمین که خدا به پیامبرش داده، آمده است.»^۲

ابان بن‌تغلب (م. ۱۴۱ق)، از اعضای سرشناس جامعه شیعه و سرآمد در برخی دانش‌های عصر خود بود.^۳ هرگاه او به مسجد مدینه وارد می‌شد، حلقه‌های درس دیگران تعطیل و مسجد مملو از جمعیت می‌شد و ستونی که پیغمبر اکرم (ص) در زمان حیاتش به آن تکیه می‌زد، برای ابان باقی می‌ماند.^۴ کتاب‌های: *الفضائل*، *صفین*، *من الأصول فی الروایة علی مذهب الشیعة*، *غرائب القرآن*، *القراءات و معانی القرآن*، شش اثری است که فهرست‌نگاران رجالی به نام ابان ثبت کرده‌اند.^۵ این امر، نشان از جایگاه خاص ابان در آشنایی به حدیث و علوم مختلف دارد. هر دو گروه شیعه و سنی، ابان بن‌تغلب (م. ۱۴۱ق) را راوی موثقی در حدیث می‌شمردند.^۶

۱. همان، ص ۲۷۴.

۲. همان، ص ۱۸۰.

۳. نجاشی، رجال، ص ۱۱.

۴. همان، ص ۱۲.

۵. همان، ص ۱۰-۱۳؛ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، ص ۵۷ - ۵۹؛ ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۷۶؛

نجاشی، رجال، ص ۱۱.

۶. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱، ص ۵۹؛ همان، ج ۶، ص ۳۰۸؛ مقریزی، *إمتاع الأسماع*، ج ۴، ص ۳۰۸.

روایات ابان، نماینده گرایش معتدل و عالمانه‌تر تشیع کوفی بود^۱ که در مبانی اعتقادی، اصول رفتاری و تعامل با دیگران در جامعه، دیدگاه افراطی نداشتند؛ از جمله نگاه افراطی و غالبانه به جایگاه ائمه علیهم‌السلام را نپذیرفت و همچنین، با راویان و محدثان اهل- سنت تعامل گسترده داشت و علمای اهل سنت نیز روایات او را پذیرفته، اذعان دارند که او اهل غلو نبوده است. همچنین، روایاتش به دور از تفکر باطنی‌گری و افراطی‌گری، بلکه عالمانه است. مقام علمی او تا آنجا بود که امام از او خواسته بود در مسجد مدینه بنشیند و فتوا دهد.^۲ از این رو، او در مسجد می‌نشست و مردم که بسیاری از آنها غیرشیعی بودند، در مسائل دینی به او مراجعه می‌کردند.^۳ ارجاع اصحاب به ابان بن تغلب (م. ۱۴۱ق) نیز از سوی امام صادق علیه‌السلام صورت گرفت.^۴ آن حضرت به ابان فرمود: «با اهل مدینه مناظره کن؛ چراکه من دوست دارم مردان و روایت‌کنندگان من مثل تو باشند.»^۵ روایات ابان در قالب سؤالات از امام در موضوعاتی چون: توحید، امامت،^۶ مهدویت^۷ و دیگر مسائل اعتقادی،^۸ در منابع آمده است.

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: میراث مکتوب شیعه، ص ۱۴۸.

۲. نجاشی، رجال، ص ۱۰: «وقال له ابو جعفر علیه‌السلام: اجلس فی مسجد مدینه و أفت الناس، فانی

احب أن یری فی شیعی مثلك.»

۳. برقی، محاسن، ص ۱۸۱؛ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۲۰؛ طوسی، رجال، ص ۳۳۰.

۴. طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۳۳۱.

۵. کشی، رجال، ج ۲، ص ۶۲۲.

۶. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۷ و ۲۰۹؛ فرات کوفی، تفسیر فرات کوفی، ص ۹۲.

۷. نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۹؛ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۵۸.

۸. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۹؛ برقی، محاسن، ج ۱، ص ۲۱۴؛ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۹۱.

از دیگر اصحاب جریان کلامی، زراره (م. ۱۵۰ق) است که شیخ طوسی او را ثقه و از راویان امام باقر و امام صادق علیه السلام می‌داند.^۱ کشی بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، نامش را در اسامی اهل بهشت می‌داند.^۲ از نظر علمی، در میان اصحاب جایگاه والایی داشت؛ تا آنجا که جمیل بن دراج (زنده قبل از ۲۰۳ق)، در پاسخ ابن ابی عمیر (م. ۲۱۷ق) که از مجلس او تمجید نموده، گفت: ما در مقابل زراره (م. ۱۵۰ق)، مانند کودکی بودیم که نزد استادش کتاب می‌آموزد.^۳ در کلام اهل بیت علیهم السلام، زراره (م. ۱۵۰ق) و برخی دیگر از حافظان دین، احیاکنندگان امر اهل بیت علیهم السلام و آمین بر حلال و حرام الهی هستند. اگر آنها نبودند، احادیث امام باقر علیه السلام کهنه و مندرس می‌ماند.^۴

امام صادق علیه السلام، اصحاب و یارانش را به سوی زراره (م. ۱۵۰ق) و مجلس درس او ارجاع می‌داد.^۵ از او روایاتی درباره تبیین مفهوم امامت، به‌ویژه بحث مفروض الطاعه یا غیرمفروض الطاعه بودن امامان علیهم السلام وارد شده است.^۶ وی جایگاه علمی بالایی نزد ائمه علیهم السلام و شیعیان داشت و مرجع علمی جماعتی از امامیه بود.^۷ از ویژگی‌های علمی او که به نظر می‌رسد متأثر از ابوحنیفه باشد، فتوا و استنباط احکام بر اساس نظر شخصی بود

۱. طوسی، رجال، ص ۳۳۷.

۲. همان، ص ۱۳۳.

۳. همان، ص ۱۳۴.

۴. همان، ص ۱۳۶: «قال أبو عبد الله علیه السلام: رحم الله زرارَةَ بنِ أعین، لولا زرارَةَ بنِ أعین و نظراؤه لاندروست أحادیثِ أبی علیه السلام.»

۵. همان، ص ۱۳۵: «فإذا أردت بحديثنا فعليك بهذا الجالس و أومی إلى رجل من أصحابه فسألت أصحابنا عنه فقالوا زرارَةَ بنِ أعین.»

۶. همان، ص ۱۵۳-۲۴۸.

۷. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۹۴.

که مورد نهی امام بود. البته با وجود این ویژگی، امام او را از فتوای دادن نهی نکرده بود؛ بلکه هدف امام، آگاهی بخشی در مورد شیوه‌های نادرست اجتهاد بود. امام به منظور تبیین شیوه درست استنباط بر محوریت قرآن و حجیت اهل بیت علیهم‌السلام و انطباق دستاوردهای اندیشه اصحاب بر آنها به دلیل برخورداری از حجیت و عصمت، تأکید داشتند و اصحاب را از اتکا به رأی شخصی در استنباط احکام دینی برحذر داشته، اعتماد به رأی شخصی را در فهم دین به شدت نکوهش می‌کردند.^۱ این توصیه امام بر پرهیز از تفسیر به رأی و قیاس، با هدف جلوگیری از انحراف اصحاب در اندیشه‌ورزی و پرهیز از نظریه‌پردازی بر مبنای اتکای به رأی شخصی است. به همین جهت، محمدبن طیار^۲ را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد که چگونه بر اساس دانش و عقل خویش، به دنبال فهم تمام معارف دینی است^۳ و یا ابوبصیر را از دستیابی احکام دین به وسیله رأی شخصی منع نمود؛^۴ حتی حضرت تقاضای ابوبصیر را در خصوص صدور فتوا بر اساس رأی و نظر شخصی در مسائلی که حکم آن در قرآن و روایات نیست، رد نمود.^۵

امام همچنین، به رد قیاس در استنباط پرداخته، تصریح می‌کند سنت و احکام شرعی با قیاس شناخته نمی‌شود و برای تبیین بهتر، به مثالی تمسک جستند که چگونه می‌توان

۱. صدوق، ثواب الأعمال، ص ۲۵۸.
۲. محمدبن عبدالله طیار، از موالی اهل کوفه است که امام باقر علیه‌السلام او را تمجید نموده و وجود او مباحثات می‌کرد (علامه حلی، خلاصه الأقوال، ص ۱۵۰) و هنگامی که شبهه‌ای در او ایجاد شده بود، در ملاقات با امام باقر علیه‌السلام به مسیر هدایت و تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام اطمینان یافت (خویی، معجم الرجال، ج ۱۶، ص ۲۵۶).
۳. برقی، محاسن، ج ۱، ص ۲۱۳.
۴. همان، ص ۲۱۵.
۵. همان.

قیاس را معیار قرار داد؛ با وجود اهمیت بیشتر نماز در روایات، قضای روزه بر زن حایض واجب است؛ اما قضای نماز، بر او واجب نیست.^۱ نتیجه قیاس را نزدیک شدن به شرک بر شمرد و در پاسخ ابوحمزه ثمالی (م. ۱۵۰ق) در باره کوچک‌ترین شرک، آن را بنای اندیشه شخص از پیش خود دانست که بخواهد آن را ملاک حب و بغض قرار دهد.^۲ شیوه قیاس که در بین اندیشمندان جهان اسلام برای کشف احکام و معارف دین رایج بود، از سوی امام مورد نهی قرار می‌گرفت و بیان نمود که دین خدا هرگز با قیاس به دست نمی‌آید.^۳ به زراره هشدار می‌دهد از کسانی که در کار دین به قیاس پرداخته‌اند، برحذر باشد؛ زیرا آنان از آنچه بدان تکلیف شده بودند، عبور کرده، آنچه را وظیفه داشتند بیاموزند، کنار نهاده و به چیزی پرداخته‌اند که به آنها واگذار نشده است. اینان روایات را بر اساس رأی خود تأویل نموده، بر خدا دروغ می‌بندند و در زمین و در مسائل دین، دچار سرگستگی و تحیر شده‌اند.^۴ این نوع برخورد امام، نشان از مخالفت با اصل فتوا دادن و رویکرد کلامی زراره نبوده است؛ بلکه به زراره و دیگر اصحاب این جریان، هشدار می‌داد تا بر اساس رأی و قیاس که در آن دوره مرسوم بود، فتوا ندهند. بر این مبنا و با معیارهای مطرح‌شده، ابان بن تغلب به دستور امام در مسجد مدینه به صدور فتوا پرداخت.^۵ زراره بن اعین، مرجع فقهی جماعتی از امامیه بود.^۶ از موضوعات کلامی که مورد بحث و دغدغه علمی اصحاب امام باقر علیه السلام بوده، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱. همان، ص ۲۱۴.

۲. صدوق، *ثواب الأعمال*، ص ۲۵۸.

۳. برقی، *محاسن*، ج ۱، ص ۲۱۴.

۴. مفید، *امالی*، ص ۵۱-۵۲.

۵. طوسی، *فهرست طوسی*، ص ۴۴.

۶. کلینی، *کافی*، ج ۴، ص ۲۹۴.

اسماعیل بن جابر (زنده قبل از ۱۴۸ق)، در گفت‌وگو با امام باقر علیه السلام اعتقاداتش را به آن حضرت عرضه نموده، به مسئله الهی بودن منصب امامت و ضرورت اطاعت از آنان اشاره دارد.^۱ حمران (د. حدود ۱۳۰ق)، در تبیین مسئله امامت در روایتی از امام باقر علیه السلام، بر لزوم پیروی از امام معصوم در هر دورانی تأکید نموده و تخلف از آن را مستحق عذاب شدن و انکار رسالت پیامبر دانسته است.^۲ زراره از امام باقر علیه السلام در باره واجب بودن یا نبودن شناخت امام سؤال کرده است که آن حضرت، بر وجوب آن تأکید نموده است.^۳ از دیگر مسائل کلامی که مورد توجه اصحاب بوده و در سؤال از امام مطرح می‌کردند، مسئله علم امام و محدوده آن بود؛ از جمله در گزارشی، سلیمان بن خالد (م. ۱۴۸ق) از امام باقر علیه السلام در خصوص آگاهی امام بر رویدادهای روزانه می‌پرسد، امام در جواب بر آگاهی امام از کلیه رویدادها در ماه و سال تأکید دارد.^۴ از دیگر نمونه‌های اقدامات جریان کلامی شیعیان، شناسایی امام از طریق طرح سؤالات و پاسخگویی امام بر اساس قرآن و احادیث پیامبر بود. سوره بن کلیب (زنده قبل از ۱۴۸ق)، در گفت‌وگو با زید بن علی بن حسین، به این مسئله اشاره داشته که تنها برادرش محمد بن علی بن حسین و برادرزاده‌اش جعفر بن محمد (علیهما السلام) توانستند به سؤالاتشان پاسخ دهند.^۵ آگاهی بخشی اعتقادی شیعیان از سوی امام و جریان‌های کلامی، در ابعاد مختلف مسئله امامت بوده و امام ضمن تأکید بر وجود امام در عالم به عنوان حجت الهی، حضور امام را برای بقای عالم ضروری دانسته است؛ به گونه‌ای که با نبودن امام، عالم از بین خواهد رفت.^۶

۱. همان، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲. طبری، بشارة المصطفی، ص ۲۴.

۳. همان، ص ۱۸۰.

۴. کشی، رجال، ص ۳۵۶-۳۶۰.

۵. همان، ص ۳۷۶.

۶. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۰۳ و ۲۰۴؛ همو، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۱۱ و ۱۲.

دسته دیگر از روایات، با تأکید بر نقش معنوی امام، بسته‌شدن باب معرفت الهی^۱ و عبادت نشدن خداوند^۲ را به دلیل عدم حضور امام در جامعه دانستند. از این رو، بر اساس نقل عبدالله بن بکیر (زنده قبل از ۱۴۸ق) از امام باقر علیه السلام، وجود وصی برای هر پیامبری ضروری است.^۳ امام باقر علیه السلام در پاسخ به زراره، بر لزوم شناخت امام تأکید نمود^۴ و همچنین، در گفت‌وگو با فضیل بن یسار (زنده قبل از ۱۴۸ق)، تأکید دارند که هیچ عذری از مردم پذیرفتنی نیست؛ مگر با شناخت امام.^۵ از این رو، امام در برابر گروهی که قائل به شرط قیام برای امام بودند، نظریه نصب الهی امام را مطرح نموده^۶ و شیعیان را با نشانه‌های مختلف راهنمایی می‌کردند.^۷ امام در پاسخ نیاز کلامی شیعیان، در گزارشی ده نشانه برای شناخت امام ذکر نمودند.^۸ با نگاهی اجمالی به مطالب فوق، می‌توان دریافت اصحاب برجسته امام در راستای تقابل با سیاست‌های فرهنگی امویان، در صدد هویت بخشی علمی و اعتقادی به شیعیان بودند که نتیجه آن، شکل گیری جامعه اعتقادی شیعه بود.

۱. همو، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۵.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۲۷-۱۲۹.

۳. دیلمی، اعلام الدین، ص ۴۶۴.

۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۸۱-۱۸۰: «فإن معرفة الإمام من واجب عليه و من لم يؤمن بالله و برسوله و لم يتبعه و لم يصدقه و يعرف حقهما فكيف يجب عليه معرفة الإمام و هو لا يؤمن بالله و رسوله.»

۵. برقی، محاسن، ج ۱، ص ۱۵۶.

۶. لالانی، نخستین اندیشه‌های شیعی، ص ۶۸.

۷. کلینی، کافی، «بابُ الأُمورِ الَّتِي تُوجِبُ حُجَّةَ الإِمَامِ علیه السلام»، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۸. همان، ص ۳۸۸-۳۸۹.

۳. جریان تفسیری

توجه به تفسیر آیات قرآن تا عصر امام باقر علیه السلام، اگرچه همانند کلام هنوز تبدیل به یک دانش رسمی با شاکله‌ها و ویژگی‌های خاص خود نبود، اما اهل بیت علیهم السلام هم در روایات و هم در زندگی عملی، توجه ویژه‌ای به قرآن داشته‌اند. در زمینه آگاهی بر قرآن، در گزارشهایی بر این مسئله تأکید شده است که تنها ائمه علیهم السلام بر تمام ظاهر و باطن قرآن آگاه هستند.^۱ امام ضمن توصیه به قرائت قرآن در هر شب،^۲ صرف قرائت قرآن را کافی ندانسته، بلکه در کنار آن، بر دوری از تحریف و اشتباهات نیز تأکید داشتند و در نامه‌اش به سعدالخیبر (م. ۱۳۲ق) کسانی که با تفسیر به رأی، آیات قرآن را بر خلاف واقعیت تفسیر و تأویل می‌نمایند، مذمت نموده و پیروانش را در خصوص تحریف قرآن و دوری از عمل به قرآن، هشدار می‌دهد.^۳ در پی تأکید امام بر هماهنگی معارف فقهی و اعتقادی با آیات قرآن، توجه بیشتر اصحاب آن حضرت را به درک معانی و مفاهیم آیات آن و پیگیری‌های خاص ایشان را شاهدیم که می‌توان از آن به جریان تفسیری نام برد. پیروان این جریان، به منظور درک بهتر معانی آیات قرآن و ارائه تفسیر صحیح به امام مراجعه می‌کردند و امام برای هدایت این جریان، به برخی نکات مهم پرداخته و به مناسبت، آیاتی از قرآن را تفسیر نموده است.^۴ حمزان (د. حدود ۱۳۰ق)، برای درک بهتر معنای آیه «هل أتى على الإنسان حيناً من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً»، به سراغ امام باقر علیه السلام می‌رود.^۵

۱. همان، ص ۱۹۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۱۲.

۳. همان، ج ۸، ص ۵۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۸۸.

۵. رجعی یور، چگونگی و زمان گرایش خاندان اعیان به تشیع، ص ۸۹.

شاگردان و اصحاب متعلق به این جریان، روایات تفسیری امام را مانند روایات فقهی، اصولی و اخلاقی نقل کرده‌اند. ابن‌ندیم در فهرستش کتابی در تفسیر قرآن به امام باقر علیه السلام به روایت از ابوالجارود نسبت داده است^۱ که از آن به‌عنوان اولین مورد از فهرست تفاسیر کهن قرآن یاد می‌کند. این اثر در واقع، مجموعه روایاتی بوده که ابوالجارود از آن حضرت در باره معانی قرآن نقل کرده بود.^۲ کتابی در تفسیر به جابر بن یزید جعفی (م. ۱۲۸ق) نسبت داده شده که احتمال می‌رود با توجه به ارتباطش با امام، از آن حضرت روایت کرده باشد.^۳ همچنین، کتابی در تفسیر به ابوحمزه ثمالی (م. ۱۵۰ق) نسبت داده شده که حاوی روایات تفسیری امام است.^۴ در منابع، از کتاب تفسیری هم نام برده که توسط سه تن از جمله ابوحمزه ثمالی (م. ۱۵۰ق)، از امام روایت شده و جزء کتابی بود که به نام تفسیر امام باقر علیه السلام در روزگار وی در دسترس بود.^۵ تفسیر برخی آیات احکام در باره طهارت^۶ و تحریم خمر،^۷ بیان ویژگی‌های قصه‌های قرآنی،^۸ ولایت الهی

۱. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۷۲.

۲. مدرسی طباطبایی، *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین*، ص ۶۷.

۳. نجاشی، *رجال*، ص ۱۲۹.

۴. همان، ص ۱۱۵: «له کتاب تفسیر القرآن.»

۵. مدرسی طباطبایی، *میراث مکتوب شیعه*، ص ۶۷، به نقل از: عبدالله بن حمزه، *عقد الثمین*، ص ۳۱۲.

۶. کلینی، *کافی*، ج ۲، ص ۲۵، ذیل آیه ۶ سوره مائده: «یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم إلى الصلاة فاغسلوا وجوهکم وایدیکم الی المرافق.»

۷. همان، ص ۳۰، ذیل آیه ۹۰ سوره مائده: «انما الخمر و المیسر و الأنصاب و الأزلام رجس من عمل الشیطان.»

۸. تفسیر قمی، ذیل آیه ۴ سوره یوسف: «اذ قال یوسف لأیبه یا ابت انی رأیت احد عشر کوکبا و الشمس و القمر رأیتهم لی ساجدین.»

در قرآن،^۱ شأن اهل بیت علیهم السلام و شیعیان در قرآن^۲ و نیز بیان شأن نزول برخی آیات قرآن،^۳ از موضوعاتی تفسیری امام به‌شمار می‌آید که توسط شیعیان متعلق به این جریان، نقل شده است. پیروان ائمه علیهم السلام و شیعیان متعلق به این جریان‌های علمی، نزد ائمه علیهم السلام منزلت داشته، در روایتی از معصوم به برانگیخته شدن هر امامی با حواریون و اصحاب خاصش در روز قیامت اشاره شده است و در ادامه حدیث، اصحاب عالم و جریان‌ساز امام باقر علیه السلام برشمرده شده‌اند که مشتمل بر بیشتر افراد مذکور در جریان‌های فوق می‌باشد.^۴

۴. جریان معنی‌گرایی

پیروان این جریان، برخلاف جریان‌های قبلی، به ظواهر نصوص پای‌بند نبوده، بر تأویل معنا و باطن اصرار داشتند و حتی مسائل فقهی را با نگاه باطنی تفسیر می‌کردند. جابر بن یزید جعفی (م. ۱۲۸ق) را می‌توان فرد شاخص این جریان در دوره امام باقر علیه السلام دانست. توجه او به بطون آیات و احادیث و تعالیم خاص امام درباره ظاهر و باطن قرآن به او^۵ و دستور آن حضرت مبنی بر عدم نقل برخی روایات برای مردم و یا اینکه در صورت سنگینی این تعالیم، سر در چاه فرو برد و احادیث را بازگوید،^۶ زمینه انتساب جابر (م. ۱۲۸ق) به باطنی‌گری و غلو را فراهم نموده است. همچنین، روایات فراوانی از او

۱. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۲۲۴، ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره.

۲. قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۹، ص ۸۷.

۳. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۶۷، ذیل آیه ۱۰۲ سوره توبه.

۴. کلینی، کافی، ج ۱۳، ص ۲۸۲: «... ثم ینادی این حواری محمد بن علی و حواری جعفر بن محمد؟ فیقوم عبدالله بن شریک العامری و زرارة بن أعین و برید بن معاویة العجلی و محمد بن مسلم و أبوبصیر لیث بن البختری المرادی و عبدالله بن أبی یعفر و عامر بن عبدالله بن جذاعة و حجر بن زائده و حمران بن أعین.»

۵. کشی، رجال، ص ۱۹۳؛ برقی، محاسن، ج ۲، ص ۳۰۰.

۶. کشی، همان؛ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۵۷.

درباره معجزات پیامبر و کرامات ائمه (ع) نقل شده است که در میان روایات شیعی، غیرمعمول است؛^۱ آن گونه که از عبدالرحمن بن شریک نخعی (م. ۲۰۷ق) نقل شده که نزد پدرش ده هزار حدیث عجیب از جابر (م. ۱۲۸ق) است.^۲ برخی اعتقادات باطنی صرف، مانند وجود پیشین ارواح انسان‌ها^۳ و پیشگویی‌هایی درباره حوادث آینده، همچون: اختلافات و درگیری‌های داخلی عباسیان،^۴ دفن امام رضا (ع) در خراسان،^۵ حفر کانال آب کوفه در زمان منصور عباسی،^۶ قیام ابوالسرایا در سال ۱۹۹ق^۷ و حوادثی دیگر، به وی منسوب است.

وجود این روایات، موجب شده که برخی از عالمان شیعه مانند نجاشی، جابر (م. ۱۲۸ق) را مختلط و منحرف بدانند.^۸ البته بسیاری از علماء، این نظر نجاشی را نپذیرفتند. او از فقهای اواخر دوره اموی است و شخصیت وی به گونه‌ای است که بزرگان اهل سنت و مخالفان اندیشه او نیز از وی روایت کرده‌اند و از او به «خزانه‌های علم» تعبیر نموده‌اند.^۹ به دلیل مشی خاص او، برخی منابع از حضور اهل سنت در نماز جماعت وی خبر

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، رک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۶؛ کشی، رجال، ص ۹۴.

۲. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۴۲؛ صفار، بصائر الدرجات، ص ۳۷۶.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۴-۶۶.

۵. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸۸.

۶. خصیبی، الهدایة الکبری، ص ۱۲۸-۱۲۹؛ قطب‌الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۷۵۴-۷۵۵؛ کشی، رجال، ص ۱۹۸.

۷. ابی‌الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۴۸.

۸. نجاشی، رجال، ص ۱۲۸.

۹. ذهبی، تاریخ اسلام، ج ۸، ص ۵۹.

داده‌اند.^۱ مقام قضایی او نیز مورد تأیید حاکمیت بوده است. گزارش محمد بن سعد (م. ۲۳۰ق)، هنگامی که عیسی بن مسیب بجلی (زنده تا ۱۵۸ق)^۲ در کوفه به قضاوت می‌پرداخت، کنار او می‌نشست.^۳

جابر (م. ۱۲۸ق)، از اصحاب خاص امام باقر علیه السلام به شمار می‌آید که بعد از آن حضرت، بر امامت فرزندش امام صادق علیه السلام بوده و بر اساس روایتی، معتقد است که علم امام از رسول الله به علی علیه السلام و از ایشان به حسنین، و سپس از امامی به امام دیگر تا جعفر بن محمد رسیده است.^۴ وی بر مبنای مشی باطن‌گرای خود، از تاویل آیه «انّ عده الشهور عند الله اثنا عشر شهرا فی کتاب الله... فلا تظلموا فیهن انفسکم» از امام باقر علیه السلام می‌پرسد و آن حضرت در پاسخ، «سال» را جدّش رسول خدا صلی الله علیه و آله و دوازده ماه سال را امامان دوازده‌گانه و تاویل «فلا تظلموا فیهن انفسکم» را اعتقاد به جمیع دوازده امام برای هدایت شدن دانست.^۵ دیگر اصحاب نیز درباره معانی آیات قرآن از امام سؤالاتی می‌کردند که می‌تواند نشانه فضای باطنی‌گری دوره باشد. فضیل بن یسار (نیمه دوم سده دوم هجری) از بزرگان امامیه، از امام باقر علیه السلام در مورد روایت «هیچ آیه‌ای از قرآن نیست، مگر اینکه برای آن ظاهری و باطنی است»، سؤال می‌کند^۶ و در گزارشی دیگر، حمران (د. حدود ۱۳۰ق) از آن حضرت در مورد چیستی ظاهر و باطن قرآن می‌پرسد.^۷

۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۴۸؛ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۰.

۲. از طرف خالد بن عبدالله قسری، قاضی کوفه بود و روزگاری دراز، بر آن کار بود.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۳۴۶.

۴. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۳۸۱؛ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۵۷.

۵. طوسی، الغیبه، ص ۱۴۹.

۶. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۹۶.

۷. صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۵۹.

اگرچه جریان باطنی‌گری جابر (م. ۱۲۸ق) و وجود برخی روایات شبه‌غالیانه از وی، فضا را برای اقدامات غلات فراهم نمود و غالیان بعدی به نقل اخبار و روایات او در منابع خود پرداخته یا عقاید غلوآمیز به او نسبت دادند، باید او را از اتهام غلو دور دانست؛ زیرا نشانه‌هایی بر صحت عقاید او بر اساس اندیشه امامیه موجود است و با وجود تضعیف از سوی برخی رجالیون متقدم،^۱ از سوی علمای متأخر مدح شده است. حرّ عاملی (م. ۱۱۰۴ق) با ردّ این اتهامات، معتقد است از مجموع روایات، مدح وی ترجیح دارد و آنچه را در ذمّ وی وارد شده، مبتنی بر تقیه دانسته است.^۲ مامقانی، ضمن توثیق وی بیان داشته که جابر در نهایت جلالت بوده و نزد ائمه علیهم السلام منزلتی عظیم داشته و از اهل اسرار و امین آن بزرگواران بوده است.^۳ برخی دیگر از رجالیون معاصر، مانند آیت‌الله خویی و شبیری زنجانی نیز وی را مدح نموده‌اند و او را دانا به اسرار امام باقر علیه السلام معرفی کرده‌اند.^۴ میزان تأثیرگذاری وی، حتی بر اهل سنت، نشان از موقعیت ممتاز و جریان باطنی وی دارد که با ملاحظه برخی حساسیت‌ها در این دوره، و از طرفی، گرایش‌های متعدد اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر شیعیان، می‌توان نقش جابر (م. ۱۲۸ق) و جریان باطنی‌گری در انتقال معارف ائمه علیهم السلام به نسل بعد را مهم توصیف نمود.

آثار و نتایج جریان‌های علمی دوره

جریان‌های علمی ذکرشده، در جامعه شیعی پیروانی داشت که با توجه به جایگاه و ویژگی‌های شخصیت‌ها، می‌توانست در سیر جریان‌ها و تحولات آن تأثیرگذار باشد.

۱. نجاشی، رجال، ص ۱۲۸؛ ابن داود، رجال، ص ۲۹۹ و ۶۱.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۳۳۹.

۳. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۰۳.

۴. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۴۴؛ شبیری زنجانی، الجامع فی الرجال، ج ۱،

گزارش‌های منابع، حکایت از نقش‌آفرینی افرادی مانند: ابان بن تغلب (م. ۱۴۱ق)، خاندان اعین، برید بن معاویه عجلی (م. حدود ۱۴۸ق) و دیگران در برخی رخدادهای فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد که می‌تواند به جایگاه علمی آنان برگردد. از این رو، می‌توان گفت این جریان‌ها، دستاوردها و پیامدهایی علمی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه داشته‌اند که در پی می‌آید:

۱. انحصار مرجعیت علمی امام

از آثار و نتایج جریان‌های علمی شیعی دوره، انحصار مرجعیت علمی امام باقر علیه السلام بوده است؛ به گونه‌ای که مبانی فکری و اندیشه اصحاب در حوزه‌های مختلف را دیدگاه‌ها و روایات امام شکل می‌داد که برگرفته از تعالیم آن حضرت بود. امام نیز با تأکید بر مرجعیت علمی ائمه علیهم السلام و ضرورت اخذ معارف دینی از آنان، مسیر صحیح کسب علم را ائمه علیهم السلام معرفی نمود^۱ و مصداق «فاسئلوا اهل الذکر» برای اخذ علم را اهل بیت علیهم السلام دانسته^۲ و ائمه علیهم السلام را خزانه‌داران علم الهی معرفی می‌کرد.^۳ آن حضرت در گفت‌وگو با فضیل بن یسار (نیمه دوم سده دوم هجری)، علم خارج از مسیر اهل بیت علیهم السلام را باطل دانست.^۴

تعالیم امام، اصحاب خردورز ائمه علیهم السلام را به دنبال استنباط معارف دینی از قرآن برد. البته این مسئله، مبتنی بر آموزه حجیت ائمه علیهم السلام است که برخی از اصحاب پیرو امام، به آن اشاره داشته و در گفت‌وگوها و مجادله‌های علمی به آن استناد نمودند؛ آن گونه که زراره

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۹.

۲. صفار، بصائر، ج ۱، ص ۳۸-۴۱.

۳. همان، ص ۱۰۳-۱۰۶.

۴. همان، ص ۵۱۱.

(م. ۱۵۰ق) در مناظره با ربیعة الری، استناد به قول خلفیه دوم از سوی وی را نپذیرفت و حجیت را از آن معصوم دانست.^۱ در روایت ابوحمزه ثمالی (م. ۱۵۰ق)، به بحث فقهی میان امام و اصحاب عالمشان اشاره شده است.^۲

اصحاب شیعی ائمه علیهم السلام، بر مسئله انحصار مرجعیت علمی در ائمه علیهم السلام تأکید داشتند. حمران بن اعین (د. حدود ۱۳۰ق)، از اصحاب ممتاز امام باقر علیه السلام، تنها به نقل روایات و سخنان ائمه علیهم السلام می‌پرداخت و اگر با دیگران در مجلسی بود و آنها کلامی غیر از کلام ائمه ذکر می‌کردند، آنان را به سخنان ائمه سفارش می‌نمود؛ به گونه‌ای که در صورت تخلف، مجلس را ترک می‌کرد.^۳ همچنین، در مناظرات از کلمات اهل بیت علیهم السلام بهره می‌برد و به همین جهت، مورد تمجید قرار می‌گرفت.^۴ ابان بن تغلب (م. ۱۴۱ق)، به نشر معارف اهل بیت علیهم السلام در مدینه اقدام می‌کرده است.^۵ جابر بن یزید جعفی (م. ۱۲۸ق)، به منظور تبیین جایگاه ائمه علیهم السلام هرگاه می‌خواست روایتی از امام باقر علیه السلام نقل کند، از آن حضرت با عنوان «وصی الأوصیاء و وارث علم الانبیاء» یاد می‌کرد.^۶ زرارة بن اعین (م. ۱۵۰ق) و محمد بن مسلم (م. ۱۵۰ق) در کوفه که کانون اصلی حضور امامیان بود، به نشر تعالیم ائمه علیهم السلام پرداختند و اصرار بر این امر، تا آنجا بود که هشام بن عبدالملک، امام باقر علیه السلام را نبی مردم کوفه معرفی کرده است.^۷

۱. کشی، رجال، ص ۱۵۳.

۲. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۲۵۶.

۳. کشی، رجال، ص ۱۷۹.

۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۱.

۵. طوسی، الفهرست، ص ۴۴.

۶. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۱۶۰.

۷. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۲۰-۱۲۲.

۲. حضور مؤثر جریان‌های علمی شیعی در حوزه‌های مختلف

با شکل‌گیری جامعه اعتقادی شیعه در دوره امام باقر علیه السلام، ظهور علما و بزرگان شیعه و تأثیرگذاری آنها بر فضای علمی و فرهنگی دوره را می‌توان از دیگر نتایج و دستاوردهای جریان‌های علمی این دوره به شمار آورد. حضور جریان‌های مختلف علمی شیعی در فضای فکری و فرهنگی جامعه، با وجود تقابل و سختگیری حاکمان اموی، با هدف تحکیم بنیادهای فکری شیعه، ترویج اندیشه‌ها و رهنمودهای ائمه علیهم السلام و تدوین مکتب علمی شیعه بود.^۱ شیوه غالب این جریان‌ها، بهره‌مندی از سیاست پرهیز از مجادلات و تقابل نظامی و اولویت‌بخشی به فعالیت علمی و فرهنگی برای تثبیت مبانی فکری و اعتقادی شیعه در حوزه‌های علمی مختلف بود. از مهم‌ترین شخصیت‌های تأثیرگذار و جریان‌ساز، می‌توان به: جابر بن یزید جعفی (م. ۱۲۸ق)، ابان بن تغلب (م. ۱۴۱م)، حمران بن اعین (د. حدود ۱۳۰ق)، محمد بن مسلم (م. ۱۵۰ق)، زرارة بن اعین (م. ۱۵۰ق)، برید العجلی (م. ۱۴۸ق) و... اشاره داشت. با توجه به گستره دانش اسلامی در دوره امام باقر علیه السلام و تحولات علمی - فرهنگی و شکل‌گیری جامعه اعتقادی شیعه در این دوره، این اصحاب در حوزه‌های مختلف علوم وارد شده و با بهره‌مندی از تعالیم امام، در برابر اندیشمندان دیگر فرقه‌ها، به بیان اندیشه‌ها و اعتقادات خود پرداخته و در جلسات و مناظره‌ها معلومات خود را عرضه می‌کردند و امام افراد و پرسش‌کنندگان را متناسب با سؤالشان به سوی آنها ارجاع می‌داد؛ ابان بن تغلب، فقیه، قاری و لغوی مشهور دوره خود بود. زراره (م. ۱۵۰ق)، در فقه و کلام تخصص داشت. محمد بن مسلم، محدث و فقیه مشهوری که امام دیگر شیعیان را برای دریافت حکم دین به او ارجاع می‌داد. وی در مسجد می‌نشست و فتوا می‌داد و همین‌طور، دیگر اصحاب که هر کدام در موضوعی تخصص داشتند و تلاش‌های علمی آنان، در به ثمر رسیدن اهداف نهضت علمی امام مؤثر بود.

۱. لالانی، نخستین اندیشه‌های شیعی، ص ۱۴-۱۹.

۳. نظام‌مند شدن تعالیم دینی شیعه

تذکر تلاش شیعیان تحت هدایت امام باقر علیه السلام، در این زمینه پُررنگ بود؛ به گونه‌ای که می‌توان این اقدامات را پایه حوزه علوم دینی و شکل‌گیری جامعه اعتقادی شیعه دانست. کوشش اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام در فراگیری علوم و انتقال آن به علاقه‌مندان و شاگردان در سیر تاریخی خود، به شکل‌گیری حوزه‌های درسی در مباحث فقه، تفسیر، کلام و سایر علوم منجر شده است. بررسی میراث روایی امام باقر علیه السلام که در منابع روایی گزارش شده، نشان از نقش‌آفرینی جریان‌های شیعی در ترویج و تبیین احادیث فراوان امام در فضای فکری جامعه دارد که نقش مؤثری در نظام‌مندسازی مکتب اهل‌بیت علیهم السلام در این دوره داشت.

بررسی روایات کتاب *مسند الامام الباقر علیه السلام* از مرحوم عطاردی، از مجموع ۵۶۷۶ روایت، ۲۱۸۱ روایت فقهی (۳۸٪) و ۱۳۷۷ روایت کلامی (۲۴٪)، ۱۲۵۷ روایت در حوزه قرآن و تفسیر (۲۲٪) و ۸۶۱ روایت (۱۶٪) در حوزه اخلاق و فضایل بوده است^۱ که نشر آن توسط اندیشمندان شیعی، جریان‌های مختلف، جامعیت و نظام‌مندی تعالیم دین و ترویج عقاید صحیح را در پی داشت؛ به گونه‌ای که در نگاه کلی، سه حوزه کلان: اندیشه، رفتار و اخلاق را شامل می‌شود. نگاهی اجمالی به شرایط علمی، فرهنگی و اجتماعی عصر امام باقر علیه السلام و بازشناسی فضای صدور روایات، نشانگر اولویت مباحث فقهی، نیاز بیشتر شیعیان در مسائل و مشکلات رفتاری در حوزه فقه و احکام و نیز توجه بیشتر اصحاب امام به فقه و طرح سؤالات از امام و پاسخ آن حضرت می‌باشد. همچنین، در حوزه کلام نیز که حجم بالایی از روایات امام را در برگرفته و نشانگر این نیازمندی در شیعیان و نقش‌آفرینی جریان کلامی است. البته با توجه به اصالت و اهمیت تعالیم قرآنی در مبانی کلامی و برای تکوین اندیشه‌ها و اصول اعتقادی، حجم روایات در موضوعات قرآنی، به‌ویژه تفسیر

۱. جدول بررسی آماری روایات امام، در پایان مقاله آمده است.

آیات قرآنی نیز زیاد بوده که در پاسخ سؤالات و یا در تبیین بهتر و مستند نمودن اندیشه‌ها در موضوعات مختلف، از سوی اصحاب امام ترویج شد. اخلاق و مسائل مربوط به حوزه رفتار نیز در اندیشه دینی اهمیت داشته و مورد توجه اصحاب آن حضرت بوده است. از این رو، روایات فراوانی در حوزه‌های گوناگون اخلاقی مانند: زهد، توبه، تواضع، شکر، رفق، مدارا، جود، سخا، قناعت، حلم، اخلاص، رضا، حسن ظن، تقوا، تقیه و کتمان، دنیا، تبعیت از هوای نفس، آداب معاشرت و سایر صفات پسندیده و رذیله اخلاقی، مورد توجه و تبیین از سوی اصحاب قرار گرفته است.

از مهم‌ترین اقدامات اصحاب امام باقر علیه السلام در جهت نظام‌مندسازی تعالیم اعتقادی شیعه، معرفی جایگاه معنوی و علمی اهل بیت علیهم السلام و دعوت دیگران به مودت و پذیرش واجب الطاعه بودن ائمه بود. کمیت‌بن‌زید اسدی، در قالب اشعاری به ذکر فضایل و مقامات اهل بیت علیهم السلام می‌پرداخت.^۱ مناظره با پیروان دیگر فرقه‌ها، یکی از راه‌های ترویج و محافظت از تعالیم مکتب شیعه توسط اصحاب امام باقر علیه السلام بود. ابوالجارود، در مورد فرزند پیامبر بودن امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، با غیرشیعیان مناظره می‌کرد.^۲ البته این مناظرات بر اساس دستور امام باقر علیه السلام بود که از شیعیان می‌خواست با دیگر مسلمانان بر اساس آیات قرآن در مسئله امامت مناظره کنند.^۳ از این رو، ابوبکر حضرمی از اصحاب امام، در مورد امامت به مناظره با زیدبن‌علی پرداخت.^۴ اصحاب امام، به صرف مناظره اکتفا نمی‌کردند و برای اطمینان از صحت اندیشه‌های خود و انطباق با نظام اعتقادی امامیه، آن را با امام در میان می‌گذاشتند؛ آن‌گونه که محمدبن مسلم پس از گفت‌وگو با زیدبن‌علی، آن

۱. کشی، رجال، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۲. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۱۷-۳۱۸.

۳. استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ص ۷۹۶-۷۹۷.

۴. کشی، رجال، ص ۴۱۶.

را به امام باقر علیه السلام عرضه می‌کند تا از صحت یا بطلان آن مطلع شود.^۱ برگزاری جلسات بین شیعیان، و همچنین سؤال از امام از سوی اصحاب، در راستای تقویت و تصحیح نظام اعتقادی شیعه صورت می‌گرفت. دیدگاه زراره (م. ۱۵۰ق) درباره ایمان، سؤال‌هایی برای حمران بن اعین (د. حدود ۱۳۰ق) به همراه داشت که برای پاسخ آنها، نزد امام می‌رفت.^۲ حمران، از طریق گفت‌وگو با امام، با مسئله تفاوت اسلام و ایمان آشنا شد.^۳

نتیجه

اگرچه تفکیک و جداسازی گستره فعالیت علمی اصحاب امام باقر علیه السلام و نقل روایات آنان در حوزه‌های مختلف، دشوار به نظر می‌رسد، اما با توجه به مجموع روایات منقول از امام، نوع نقش‌آفرینی علمی و شهرت آثارشان در منابع اصلی، جریان‌های علمی اصحاب امام را با توجه به اهمیت و گستره آن، می‌توان در چهارگرایش اصلی: فقهی، کلامی، تفسیری و باطنی‌گری برشمرد.

محمد بن مسلم (م. ۱۵۰ق)، ابوبصیر، برید بن معاویه عجلی (م. ۱۴۸ق) و ابو حمزه ثابت بن دینار (م. ۱۵۰ق)، نماینده جریان فقهی می‌باشند که با نقل روایات فقهی و ترویج احکام، به تبیین فقهی مکتب شیعه پرداختند و عبدالله بن ابی‌یعفور (م. ۱۳۱ق)، زرارة بن اعین (م. ۱۵۰ق)، ابان بن تغلب بن رباح (م. ۱۴۱ق) و حمران بن اعین (م. ۱۴۸ق)، نماینده گرایش کلامی هستند که علاوه بر ترویج احکام و تعالیم دین، به چرایی و تبیین عقلانی آن نیز گرایش داشتند. تأکید امام نسبت به هماهنگی معارف فقهی و اعتقادی با آیات قرآن، توجه اصحاب آن حضرت به درک معانی و مفاهیم آیات آن را در پی داشته، موجبات شکل‌گیری جریان تفسیری شد. ابوالجارود، عبدالله بن حمزه، یحیی بن ابی‌عمران همدانی و

۱. خزاز قمی، کفایة الأثر، ص ۳۱۰-۳۰۹.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۰۸.

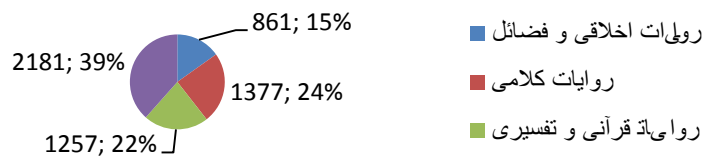
۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۷ و ۱۸۷.

حمران بن اعین (د. حدود ۱۳۰ق) را می‌توان مهم‌ترین نمایندگان این جریان دانست که در پی مذمت امام نسبت به تفسیر به رأی آیات قرآن، برای دوری از تحریف و اشتباهات، به دنبال تفسیر و فهم صحیح آیات قرآن بر اساس تعالیم و روایات امام بودند. جابر بن یزید جعفی (م. ۱۲۸ق) را می‌توان برجسته‌ترین نماینده جریان باطنی برشمرد که با اندیشه‌های معنویت‌گرا و باطنی‌گری خود، فضای توجه به تأویل و لایه‌های مختلف معنای آیات را در میان شیعیان جاری ساخت و به دنبال وی، دیگر اصحاب مانند فضیل بن یسار (نیمه دوم سده دوم هجری) و حمران (د. حدود ۱۳۰ق)، به دنبال فهم معانی دقیق‌تر و تأویل آیات بودند. شایان ذکر است که تعامل نمایندگان این جریان‌ها، خالی از چالش نبوده و در مواردی، دچار تعارض و اختلافاتی می‌شدند که با راهنمایی امام کاهش می‌یافت. پیامدهای این جریان‌های علمی در جامعه را می‌توان در انحصار مرجعیت علمی ائمه علیهم‌السلام، حضور تأثیرگذار و نقش‌آفرینی علمای شیعی در حوزه‌های مختلف و نظام‌مند شدن تعالیم دینی شیعه دانست.

جدول روایات امام باقر علیه‌السلام بر اساس کتاب *مسند الإمام الباقر علیه‌السلام*

ردیف	عنوان	تعداد	درصد روایات
۱	مجموع روایات فقهی	۲۱۸۱	۳۸٪
۲	مجموع روایات کلامی	۱۳۷۷	۲۴٪
۳	مجموع روایات قرآنی و تفسیری	۱۲۵۷	۲۲٪
۴	مجموع روایات اخلاقی و فضایل	۸۶۱	۱۶٪
۶	جمع کل روایات	۵۶۷۶	۱۰۰٪

تعداد و درصد روایات



منابع

۱. ابن حزم، علی بن محمد الظاهری، *الفصل فی الملل والاهواء والنحل*، تصحیح: عبدالوهاب عبدالسلام، دمشق.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، ۱۳۷۹ق، *مناقب آل ابی طالب*، قم، مؤسسه العلامة للنشر.
۳. ابن صباغ، علی بن محمد، ۱۴۲۲ق، *الفصول المهمة فی معرفة الائمة*، تحقیق: سامی غریری، قم، دارالحديث.
۴. ابوالسعود، صلاح، ۲۰۰۴م، *الشیعة النشأة السیاسیة والعقیدة الدینیة منذ وفاة الرسول صلی الله علیه و آله*، قاهره، مکتبه النافذة.
۵. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، ۱۴۰۵ق، *مقاتل الطالبیین*، قم، منشورات الرضی زاهدی (افست از مکتبه الحیدریه، نجف ۱۳۸۵ق).
۶. ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان، ۱۳۸۲ش، *گرایش‌ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری*، ترجمه: علی آقانوری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۷. ابی منصور، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، ۱۴۱۷ق، *خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال*، بی جا، مؤسسه نشر الفقاهة.
۸. احمدی منش، محمد، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، «تحول بنیادهای امامت نزد نخستین گروه غالیان شیعه»، پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی، ش ۲.
۹. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، ۱۳۶۹ق/ ۱۹۵۰م، *مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین*، قاهره، مکتبه النهضة المصریة.
۱۰. آقانوری، علی، ۱۳۸۵ش، *خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعی در عصر امامان*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: بنیاد بعثت، قم، مؤسسه البعثة.
۱۲. برنجکار، رضا، ۱۳۷۸ش، *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، قم، مؤسسه فرهنگی طه.
۱۳. جعفریان، رسول، ۱۳۷۶، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، قم، انصاریان.

۱۴. خسرو پناه، عبدالحسین، مهر ۱۳۸۴، «تحلیلی بر جریان‌های فکری - فرهنگی ایران معاصر»، نشریه زمانه، ش ۳۷.
۱۵. —، ۱۳۹۱، جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، قم، تعلیم و تربیت.
۱۶. رجبی پور، روح‌الله، پاییز ۱۳۹۳، «چگونگی و زمان گرایش خاندان‌های اعیان به تشیع»، تاریخ اسلام، ش ۳، پیاپی ۵۹.
۱۷. رجبی، محمدحسین، ۱۳۷۸، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام.
۱۸. صفری فروشانی، نعمت‌الله، ۱۳۸۴ ش، «جابر بن یزید جعفی»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر: غلام‌علی حداد عادل، چاپ اول، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ج ۹، ص ۱۸۱-۱۸۴.
۱۹. طوسی، محمدبن حسن بن علی، ۱۳۴۸، اختیار معرفة الرجال (المعروف برجال الکشی)، تحقیق و تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مرکز تحقیقات و مطالعات کنگره هزاره شیخ طوسی.
۲۰. عبدالمنعم داود، نبیله، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۴م، نشأة الشيعة الامامية، چاپ اول، بیروت، دار المورخ العربی.
۲۱. عطاردی قوجانی، عزیزالله، ۱۳۸۱، مسند الامام باقر علیه السلام، تهران، نشر عطارد.
۲۲. عیسی نیا قاسم آباد، رضا، ۱۰ مهر ۱۳۹۲، «گفت‌وگو در موضوع چهار منظر در جریان‌شناسی روحانیت»، سایت رسای اندیشه.
۲۳. فیاض، عبدالله، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م، تاریخ الإمامیة و اسلافهم من الشيعة منذ نشأة التشيع حتى القرن الرابع الهجري، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۴. قطب‌الدین راوندی، سعیدبن هبة‌الله، ۱۴۰۹ق، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسة الامام المهدي (عج).
۲۵. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، کافی، قم، مؤسسه دار الحدیث.
۲۶. لالانی، ارزیتا. آر، نخستین اندیشه‌های شیعی، ترجمه: فریدون بدره‌ای - تهران: انتشارات فرزانه روز.

۲۷. محمد جعفری، سیدحسین، ۱۳۸۲، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: سید محمدتقی آیت‌اللهی، چاپ یازدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۸. محمدبن محمدبن نعمان (شیخ مفید)، ۱۴۱۳ق، *اوائل المقالات*، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۹. مدرسی طباطبایی، سید حسین، ۱۳۸۶، *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*، بی‌نا.
۳۰. —، ۱۳۸۶، *مکتب در فرآیند تکامل، نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین*، تهران، کویر.
۳۱. مقریزی، احمدبن علی، ۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م، *امتاع الاسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع*، تحقیق: محمد عبدالحمید نمبسی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۳۲. منصوری راد، بهار ۱۳۹۱، «عبدالله بن ابی یعفر؛ متکلمی ناشناخته از جرگه محدثان امامیه»، *نقد و نظر*، ش ۶۵.
۳۳. میرحسینی، یحیی، زمستان ۱۳۹۷، «تطور تاریخی راهکارهای تحقق تقیّه در سیره ائمه شیعه علیهم السلام»، *تاریخ اسلام*، ش ۷۵.
۳۴. ناشی اکبر، عبدالله بن محمد، ۱۳۸۶، *فرقه‌های اسلامی و مسئله امامت* (ترجمه «مسائل الإمامة» و «مقتطفات من الكتاب الأوسط»)، ترجمه: علیرضا ایمانی، چاپ اول، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.
۳۵. ناصری، طاهره؛ ولوی، علی محمد، پاییز ۱۳۹۴، «تحلیل واکنش امامان شیعه علیهم السلام به غلو در امامت»، *تاریخ اسلام و ایران*، ش ۲۷.
۳۶. هالم، هاینس، ۱۳۸۵، تشیع، ترجمه: محمدتقی اکبری، چاپ اول، قم، نشر ادیان.
۳۷. هزار، علیرضا، تابستان ۱۳۸۱، «درنگی در شخصیت حدیثی جابر بن یزید جعفی»، *علوم حدیث*، ش ۲۴: ۹۸-۱۱۵.